حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۵شنبه۳ ثور
۱۳۶۰
APRIL 23, 1981
شماره ۱۰۱
سال تأسیس ۱۳۵۹

بیانیهٔ شفاهی رفیق کارمل در ننگرهار

بیانیه شفاهی رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم در اجتماع افسران و سربازان فرقه ۱۱ ننگرهار :

رفقا ، دوستان ،

نمایندگان سربازان ،افسران و خرد ضابطان قهرمان قوای مسلح آزادیبخش افغانستان انقلابی و قهرمان آزاد و مستقل .

شما با قلب های پاک وبا وجدانهای شرافتمند تان مرادرفضایی قرار داده اید که‌جز نمیتوانم بیش ازاحساس عمیق سپاسگزاری بشما تقدیم بدارم،(هورا باکف‌زدنها)

با مشاهدات نمونه وی‌غندتو پچی از لحاظ دسپلین ، انضباط ، تعلیم و تربیت ،از لحاظ استقبال وا قعا گرم و انقلابی تمام سربازان،خرد ضابطان و افسران برای من سرور بی نهایت عظیم‌دست داد .

(هورا و کف زدنها)

فرزندان قهرمان وطن .هر روز و هر لحظه در کابل، کمیته مرکزی حزب قهرمانان‌و شهیدان ما ، حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، حکومت‌و شورای انقلابی از پیکار قهرمانانه شمادر دشوارترین‌لحظات در دفاع از خاك‌مقدس مان افغانستان، ازسرحدات‌ما،از شرف و ناموس وطن ما اطلاع دقیق و کافی دارند وشما را برای لحظه یی فراموش نمیکنند .

من خود را موظف میدانم‌که از جانب حزب ، حکومت و شورای انقلابی عمیقتر یـن‌سپاسگزاری خـود را به پیشواز سومین جشن انقلاب‌شکو همند ثور بشما تقدیم بدارم .(هورا)

رفقا و دوستان قهرمان،

البته ما به پیشگاه وطن‌و خلق خود سر تعظیم فرود می آوریم مگر فراموش نکنیم‌که امروز افغانستان با نیرو های شیطانی و اهریمنی ضدانقلاب داخلی ، ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم وکشور های مرتجع عربی مواجه است ، پس بگذارافغانستان قهرمان یکبار دیگر سپاس عمیق افغانی.مترقی و انقلابی خود را به پیشگاه دوست بزرگ وهمیشگی و جاویدانی ما اتحاد شوروی نیز تقدیم‌بدارد. (کفزدنها و هورا)

(ص۴)

بزرگداشت یکصدو یازدهمین سالگرد تولدلنین

به مناسبت یکصدو یازدهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر بزرگ زحمتکشان جهان‌بعداز ظهر دیروز محفل شانداری از طرف انجمن دوستی افغان ـ شوروی در قصر ستور وزارت امور خارجه ترتیب شده بود .

دراین محفل رفیق صالح‌محمدزیری ورفیق نوراحمد نـور اعضای بیروی سیاسی و منشی های کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رفیق سلطانعلی کشتمند عضوبیروی سیاسی، معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم، رفیق اناهیتاراتبزاد عضو بیروی سیاسی و رئیس انجمن دوستی افغان ـ شوروی ، رفیق دستگیر پنجشیری عضو بیروی‌سیاسی وعضو شورای انقلابی ، برخی از اعضای کمیته مرکزی حزب وشورای انقلابی و شورای وزیران ، کدرهای برجسته حزبی ، اعضای هیأت‌رهبری سازمان های اجتماعی و اتحادیه های صنفی ، برخی از افسران و مامورین عالیرتبه ، تابی‌بف‌فکرت‌احمد جانوویچ سفیر کبیر اتحاد شوروی مقیم کابل ، سفرا و شارژدافیر های سفارت خانه های کشور های دوست مقیم کابل واعضای انجمن دوستی افغان و شوروی اشتراك نموده بودند .

درین محفل ، معاون دوم انجمن دوستی افغان ـ شوروی و سفیرکبیر اتحاد شوروی مقیم کابل پیرامون زندگی ، شخصیت ، تاثیرات‌تاریخی وجهانشمول زندگی و اندیشه های ولادیمیر ایلیچ لنین و همچنان در اطراف روابط دوستانه و عمیقاً ثمربخش افغان ـ شوروی از لحظهٔ آغاز آن در زمان زندگی لنین تا کنون ، بیانیه هایی ایراد کردند .

محفل با اجرای کانسرت پایان یافت .

"لنین زیست ، لنین می زید ، لنین خواهد زیست"

لنین وافغانستان

سخن از انسانی درمیان است‌که کارنامه هایش‌چکامه های شاعران انقلابی وسرودهای نویدبخش مبارزات توده‌های زحمتکش‌را تاآخرین پله های کمال وتربیت انسان‌نوبامغز واندیشه های نو روح وزندگی خواهد داد.

سخن از انقلابی ایست‌بزرگ ، انقلابی ایکه‌خردووجدانش دانش‌وایمانش وآرمان های والا ومقدسش به سرنوشت انسان زحمتکش‌سخت‌گره خوردوباعشق سوزان مبدل گردید .

لنین این انترناسیونالیست کبیر ،این‌مبارزراه‌عدالت وتقوا ، این‌سکاندارنجات بشریت ازظلم واستبدادطبقات استثمارگر ، با نبوغ خارق العادهٔ سازماندهی‌توانست حزبی‌را بوجودآوردکه مسوولیت اعمارجامعهٔ عادلانه‌وپیشرفته انسانی‌را به‌عهده بگیردوراه‌نجات تمام بشریت رااز استثمار بازکند .

" لنین برجسته ترین صفات یک انقلابی‌پرولتاری‌را درخود جمع کرده بود . عقل وخردبی‌پایان،اراده‌به پیروزی،تنفر بی حدازظلم وبردگی،شوروشوق‌انقلابی، انترناسیونالیسم پیگیر ،ایمان‌بی‌حدبه‌نیروهای‌خلاق‌توده‌ها ،نبوغ سازماندهی عظیم تمام اینهاازمخصتات سیمای لنین بود. زندگی وفعالیت‌لنین بامبارزهٔ طبقهٔ کارگرعجین شده بود ."

سیمای لنین ، سیمای انسانیست سرشارازعشق به‌مردم، زیرا ، اودرزندگی خصوصی ورسمی‌اش باعشق پرشوربه‌توده‌های مردم‌زندگی میکردولحظه‌یی‌ازآن‌فارغ نبود،به قول‌جان‌رید نویسندهٔ امریکایی : "بدون درنگ ، بدون شوخی ، سازش‌ناپذیروبه همه چیزازنظرشخصی‌بی‌علاقه وبی‌نظربود..."وچه بجاودرست گفته‌اند"لنین‌دانشمندبزرگ درانقلاب وانقلابی بزرگ دردانش‌بود" لنین این ستراتژیست وتکتیسن بزرگ ـ مبارزات انقلابی ، نه تنها در مبارزه برضد نظام‌سرمایه داری نقش عظیمی‌ایفاء نمود بلکه به مثابهٔ تیوریسن پرنبوغ "اجزای سه گانه مارکسیسم ـ لنینیسم : فلسفه ، اقتصادسیاسی وسوسیالیزم علمی‌راغنی ساخت" .

لنین‌هما نطوریکه دوست وبرادرتمام خلقهای‌زحمتکش‌ومسلمان جهان‌بود ، دوست نزدیک خلق قهرمان ومسلمان افغانستان نیزبود .

لنین دراثرباا همیت اش " امپریالیزم بمثابهٔ آخرین مرحلهٔ سرمایداری " سیاست استعماری دولت انگلستان و دسایس آنرادرمورد افغانستان‌افشاء کرد .اظهارنظرهای‌لنین دربارهٔ جنگ‌دوم‌افغان‌وانگلیس"که‌توسط انگلیس برافغانستان‌تحمیل‌شد" طی‌قرن‌نزده همه مبین‌احترام‌وعلایق‌فراوان وی به‌نبردخلق‌افغانستان‌به‌خاطرآزادی‌واستقلال‌افغانستان است "

بایدخاطرنشان‌ساخت که : لنین قراردادمحرمانه ۱۹۰۷ـ انگلیس وروسیه تزاری که‌افغانستان‌را درمنطقهٔ تحت نفوذ کامل انگلستان قرار میداد، محکوم‌ساخت وبعداً "حکومت شوروی به رهبری لنین درسال۱۹۱۸ آنرا ملغی‌وبی‌اعتبار اعلام داشت ."

لنین‌به‌خلق‌آزاده ودلیرشرق‌وبخصوص‌افغانستان‌وبه‌سرنوشت آیندهٔ آنها علاقهٔ بی‌پایان داشت که‌این علاقهٔ اودرمعاهدهٔ برست لیتوفسک درسال ۱۹۱۸بطوربرازنده درفقرهٔ اول‌آن‌به‌این شرح به‌نظرمیخورد." همه‌کشورها بایدمتقابلتا " تعهدنمایند که‌بقوهٔ قهریه برای‌سرنگون‌ساختن دولت افغانستان‌متوسل نشوند."

پس ازاستقلال‌افغانستان‌تمام‌قراردادها وتماسها بین‌دولت افغانستان وکشورکبیرشوراها مستقیما "تحت نظرولادیمیر ایلیچ لنین انجام میگرفت و درسال ۱۹۲۱ است که"نخستین قراردادمتساوی‌الحقوق‌افغانستان‌ویککشورخارجی‌یعنی‌اتحاد شوروی‌صورت‌گرفت ".

این نکته رابایددرنظرداشت که‌وصایای‌لنین‌درمورددوستی برادرانهٔ خلق‌کبیرشوروی‌ومردم‌افغانستان ازطرف حزب کمونیست اتحادشوروی وحکومت آن روزتاروزپردرخشش‌تراز ـ پیش انعکاس مینماید‌وازگزندهرنوع سوءتفاهم‌درامان‌خواهد ماند ،زیرااین‌دوستی‌برمبنای‌ارادهٔ پرتوان‌خلقهای‌هردوکشور استوار است .

خط مرزی بین افغانستان وشوروی طولانی ترین خط سرحدی مامیباشدومردم ماآنرابنام‌مرزصلح، دوستی‌وبرادری یاد میکنند .

امان الله شاه ترقیخواه افغانستان‌پس ازپیروزی‌قیام ملی مردم ما در۱۹۱۹ ، به‌لنین، کشورکبیرشوراها وحزب پرافتخارلنینی‌علاقهٔ فراوان‌داشت وبرهمین‌اساس‌بودکه درهفت اپریل۱۹۱۹پادشاه امان‌الله‌نامه‌یی‌عنوانی‌و.ای.لنین ارسال داشت که‌طی‌آن‌آمادگی‌افغانستان‌مستقل‌جهت برقراری‌مناسبات دوستانه با روسیهٔ شوروی‌اعلام‌شده بودولنین‌کمی‌بعدصمیمانه‌در جواب این‌نامه به‌شاه‌افغانستان‌چنین‌نوشت :"باابرازامتنان ازتصمیم‌آن‌اعلیحضرت دربرقراری مناسبات نزدیک باخلق‌روس، خواهش میکنم‌نمایندهٔ رسمی‌خودرا درمسکوتعیین‌نماییدوما نیز به‌نوبهٔ خودحاضریم‌نماینده دولت کارگری‌ودهقانی‌را بکابل اعزام‌داریم‌وازآن‌اعلیحضرت تمنا داریم‌به‌کلیه مقامات دستور دهندکه‌بلادرنگ بوی‌اجازهٔ ورودرا بدهند" .لنین‌ازهمان آغاز موضعگیری وسیاست عنعنوی مردم دلیرما را میدانست ودرمورد چنین ابرازنظرداشت : "دولت شوروی‌ودولت افغانستان‌درخاور منافع مشترک دارند ، هردو دولت برای استقلال خودارزشقا اندومی‌خواهندیک دیکروهمه خلق‌های‌خاورزمین‌را مستقل‌وآزاد بینند" . برداشت داهیانه‌و خلاقانهٔ لنین‌راازمردوستی خلل ناپذیرافغانستان‌وشوروی‌درین جملات وجیزوتاریخی‌لنین به خوبی‌درک میکنیم : "میان‌افغانستان‌وروسیه مساءله‌یی‌نیست که سبب اختلاف شودویاحتی‌روی دوستی‌روس وافغان‌سایه افگند..."

آنچه‌لنین‌دربارهٔ دوستی‌افغان ـ شوروی‌میگفت ازبوتهٔ آزمایش پیروزمندبدرآمده وخلق‌شوروی، حزب ودولت شوروی‌نه تنها درطول۶۲ سال دوستی‌رابعادگستردهٔ با ماکمکهای‌برادرا نموده‌اندبلکه درلحظات بسیارحساس‌وپرازتهلکه که‌به‌اثرتوطئه امپریالیزم جهانی ، هژمونیسم چین وارتجاع منطقه‌انقلاب ومردم‌کشورانقلابی،آزادوسربلندما موردتهدیدوخطرجدی‌قرار داشت مبتنی‌برارادهٔ مردم‌ما وبراساس معاهدهٔ قبلی‌ودرخواست حزب ودولت واحترام‌به‌آزادی ورهایی‌خلقها به‌کمک ماشتافتند وبه‌اثرآن‌مردم‌وقوای‌مسلح‌ما توانستندبا این‌کمک برادران‌شوروی توطئهٔ امپریالیزم‌راعقیم‌گذارند ،انقلاب ومردم رانجات بدهند وازتجزیهٔ کشورجلوگیری کنند .

رفیق ببرک کارمل ضمن سفررسمی‌اخیرخویش به‌اتحادشوروی دربخشی ازبیانیهٔ خودچنین گفت :"اتحادشوروی‌باکمک به موقع به مردم‌افغانستان درامر طردودفع‌تجاوزات خارجی‌یک باردیگروفاداری خدشه‌ناپذیرخودرا به‌اصول سیاست لنینی انترناسیونالیستی ، دفاع از امرصلح، آزادی‌خلقها واستقلال ملی‌وپابندی‌اکیدخویشرا برقراردادها ومعاهدات بین المللی ودوجانبه نشان داد ، حتی تصوراینکه‌اگراین کمک به موقع نمی بودچه مصیبت ها ورنج ها نصیب مردم‌ما میشد وحشت‌آوراست ..."

رفیق برژنف درارتباط به‌این واقعیت‌که روندانقلاب درافغانستان برگشت ناپذیراست چنین‌گفت :" موقع آنست تاآنها ییکه برجمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوزمیکنند بدانند که‌پلانهای ماجراجویانهٔ آنها محکوم‌به‌ناکامی‌است و روندانقلابی درافغانستان برگشت ناپذیرمیباشد .درکنار زحمتکشان افغانستان وحکومت افغانستان‌پشتیبانی‌وهمبستگی اتحادجماهیرشوروی‌سوسیالیستی ،سایرکشورهای‌سوسیالیستی ونیروهای مترقی سراسرجهان قرار دارد ،ماقاطعانه‌درموضع حفظ منافع امنیتی‌هردوکشورقرارداریم‌وماموریت انترناسیونالیستی‌خودرا دربرابرافغانستان وحکومت افغانستان که توسط رفیق ببرک کارمل رهبری میشوددرمطابقت کامل با معاهدهٔ افغان ـ شوروی ومنشور سازمان ملل متحد انجام خواهیم داد ..."

پردرخشش باد مشعل دوستی افغان ـ شوروی !

تلگرام تبریکی

از طرف رفیق ببرك کارمل منشی‌عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان تلگرام تبریکیه به مناسبت‌انتخاب مجدد اریش هونیکر بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌سوسیالیست متحده آلمان عنوانی موصوف به برلین مخابره شده است

در این تلگرام ضمن آرزومندی به‌پیروز بهای در خشان جمهوریت دموکراتیك آلمان در پرتو تطبیق‌فیصله های سودمند کنگره دهم حزب سوسیالیست متحده آلمان تحت رهبری‌خردمندانه کمیته مرکزی آن حزب‌ابراز اطمینان شده‌است که رشد واستحکام‌هرچه بیشتر روابط دوستانه و همکاری های برادرانه بین جمهوری دموکراتیك‌افغانستان و جمهوری دموکراتیك آلمان به نفع مردمان هر دو کشور و صلح‌وامنیت در جهان قوام خواهد گرفت.

شورای عالی علماو روحانیون ج. د. افغانستان تشکیل گردید

اولین جلسه شورای عالی علما و روحانیون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان قبل ازظهر پریروز درقصر صدارت عظمی دایر گردید .

طی این جلسه تمنیات وآرزومندی های نیك رفیق ببرك‌کارمل منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم توسط‌رفیق سلطانعلی‌کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم به مناسبت گشایش این جلسه مهم وباشکوه به اعضای شورای عالی علما وروحانیون شئون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان واز طریق آنها به همه علما و روحانیون افغانستان رسانیده شد .

درین جلسه رئیس،معاونین واعضای شورای عالی علما وروحانیون شئون اسلامی پیشنهاد شدند که بعداز رای گیری در فضای آزاد و دموکراتیك به اتفاق آراء انتخاب گردیدند .

در ین جلسه‌رفیق سلطانعلی‌کشتمند طی‌بیانیه‌یی گفت: تشکیل این‌شورای باهمیت از سیاست واقعبینانه‌وانسانی حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان که مطابق به منافع توده های زحمتکش مردم افغانستان میباشد واز رعایت و احترام عمیق حزب ودولت ما نسبت به عقاید مقدس مردم ما ، عنعنات پسندیده ودین مقدس اسلام نمایندگی میکند .

یکی از اهداف عمده دولت انقلابی‌ما تشکیل جبههٔ وسیع ملی پدر وطن‌است که در آن نمایندگان واقعی مردم‌زحمتکش کشور اعم از علما ، روحانیون، دانشمندان ،کار گران ،دهقانان، مردان وزنان شرکت‌خواهند کردو شورای‌عالی علما وروحانیون شئون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان به عنوان یك سازمان بااهمیت و عمده که بهترین نمایندگان علما روحانیون ، خطبا وملاهاو مجموع همه دانشمندان دینی در آن اشتراك دارند جزء بااهمیت جبههٔ وسیع ملی پدر وطن خواهد بود.

... شما علما وروحانیون شریف ووطنپرست کشور بخاطر حفظ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور ، دفاع ازحیثیت، شرف وناموس مردم‌عذاب‌کشیده تان ودر نهایت بخاطر دفاع از انقلاب ثورو حفظ دست آورد های آن وظایف نهایت مهم و مقدسی بعهده دارید یقین کامل دارم شما این‌وظایف رابخوبی درك نموده اید وبا تشکیل شورای عالی علما و روحانیون‌شئون اسلامی وظایف تانرا به‌نحو شایسته تر ، منظم‌تر و سازمان دهنده‌ترانجام میدهید .

در پایان جلسه مسوده قطعنامه علما وروحانیون اعضای شورای عالی شئون اسلامی قرائت وبعداز رای گیری به اتفاق آراء تائید و تصویب شد .

کارداوطلبانه ده هامیلیون نفر به افتخار زادروزلنین

ده ها میلیون‌کمونست‌اتحاد شوروی روز ۲۹ حمل به‌افتخارفرارسی یکصدویازدهمین‌سالروز تولد ولادیمیرایلیچ لنین کار داوطلبانه انجام دادند .

از مدرك این گونه‌کار های داوطلبانه که طی پنجسال اخیردرروزهای رخصتی «شنبه» درمسکو انجام گرفته است (۱۲۳) ملیون روبل به دولت شوروی مفادعایدگردیده که‌ازآن بمنظورآبادانی هشت شفاخانه بزرگ ، ۱۲ پولیکلنیك ۳۶ مرکز استراحت‌کودکان کمترازسن مکتب وغیره استفاده بعمل آمده است.

خبرحزبی

استادان و شاگردان انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان روز اول ثور در کنفرانسی شرکت کردند که به مناسبت یکصدویازدهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین بنیاد گذار دولت شوروی از طرف آن انستیتوت دایر شده بود .

درین کنفرانس عده یی ازاستادان و شاگردان مقاله های علمی و تئوریك خویش را به ارتباط موضوع قرائت کردند .

(ح.ا.ث)

اندراگاندی جعلیات غرب را درمورد افغانستان تقبیح کرد

اندرا گاندی صدراعظم هند اعلام داشت که اتحاد شوروی دوست واقعی هند بوده و همواره در زمانهای مشکل به کمك هند شتافته است .

میرمن گاندی طی سخنرانی خطاب‌به گروهی از محصلین پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون پونه گفت :

به کمك اتحاد شوروی بود که هند قادر گردید صنایع فولاد مخصوصاً فابریکه های آهن بهیلال وبوکاروراتاسیس نماید .

روزنامه اندین اکسپرس گزارش داده است که میرمن گاندی ضمن‌تماس براوضاع بین المللی پروپاگند های جعل شده غربی هارادر مورد افغانستان تقبیح نموده گفت : قطعات محدود نظامی اتحادشوروی بدر خواست‌حکومت افغانستان باین کشور دعوت شدهو پس از عادی شدن اوضاع اطراف افغانستان دوباره برخواهند گشت.

حزب، مردم و قوای مسلح باهم اند

سربازان ما حماسه می آفرینند

قوای مسلح جمهوری دمو کرا تیک افغا نستان این پاسدار صدیق دستآ وردهای انقلاب و به خصوص مر حله تکاملی آن به مثابهٔ اردوی آزادی بخش و انقلابی با دفاع پیگیر و آگاهانه از انقلاب ، شرف و حیثیت

همو طنان رنجد یده ماضربات مر گباری بر ضد انقلاب وارد آورده‌اند. اکنون دشمنان‌ما دیگر نمیتوانند شکستها و عقب نشینی های شانرا استتار کنند .

به همین دلیل است که ایالات متحده امریکا با چنین توطئه ها و دسایس نمیتواند روند بر گشت ناپذیر انقلاب

را در کشور ما بسود خود انحراف بد هد . زیرا پایه های توده یی انقلاب و اردوی

حماسه آفرین ما ریشه دار و عمیق تر گردیده و پیوند بین قوای مسلح و مردم چنان گسست نا پذیر شده که هیچ قدرت اهر یمنی نمیتواند بین حزب ، قوای مسلح و مردم مسا فه ایجاد کند :

اینرا هم باید خاطر نشان ساخت که قوای مسلح ما از نگاه احضارات محار بوی و سیاسی و بدست داشتن سلاح و وسایط مدرن محاربوی در وضعی قرار دارد که تامحو آخرین بقایای ضد انقلاب این اجیران خارجی و پیروزی های نهایی انقلاب همواره از آزادی واقعی کشور آگاهانه و سرسختانه دفاع خواهدکرد و این تعهدی است که در پیشگاه انقلاب و مردم سپرده است .

قابل تذکر است که اردوی انقلابی ما از بوتهٔ ازمایش در راه مبارزه علیه ضد انقلاب پیروز بر آمده است . اردوی ما اردوی با دسپلین وبامورال عالی میباشد و هیچنوع پرو پاگند دشمن نمی تواند خللی در اراده و تصمیم سربازان ، افسران و خرد ضابطان وارد آورد .

بیایید باین چهره ها نگاه کنیم . آنها سر بازان تانک قوای ۱۵ زرهدار هستند . در چهره های شان امید کامل به پیروزی نقشس بسته است .

ما ضمن صحبت از آنها خواستیم از قهر ما نیهایشان از پیکار های عادلانه شان و از تجارب شان سخن گویند بعد از کمی مکث گفتند :

بمقصد افشای پرو پا گند های ضد انقلاب وا قعا و لو مختصر هم با شد از تجا رب خود باید چیزی بگوئیم و بعدا یکی از آنها به نمایندگی دیگران ادامه داد :

« مادر تمام فعا لیتهای محار بوی به چشم سر دیدیم که اشرار دارای مهارت خوب محاربوی نمیبا شند ، گذشته ازین از نگاه مورال در یک سطح بسیار پایین قرار دارند ما در همه موارد دیده ایم که به مجرد آغاز تعرض ما ، آنها چند ثانیه یی مقاومت کرده و بعداز آن فرار کرده اند .»

ازین سر بازان دلیر در مورد عدهٔ از اشرار که‌درین‌محاربات دستگیر شده اند پر سیدیم جواب دادند : عدهٔ بسیار کم آنها وا قعا ضد انقلاب بودند و بقیه را عناصری تشکیل میداد که فریب تبلیغات زهرآگین‌دشمن راخورده‌بودند و بعد ازینکه کار کنان سیاسی ما در مورد اهداف حزب و دولت به آنها معلومات میدادند بگریه می‌آمدند و پشیمانی نشان میدا دند .»

در اخیر از پیام آنها پرسیدم : یکجا گفتند پیام ما چنین است :

« هموطنان جوان ! افتخارات حماسه آفرینی ها و افتخارات را از دست ندهید اگر تاهنوز ازقوای مسلح دور مانده اید با استفاده از موازین کاملا دمو کرا تیک قانون جدید مکلفیت عمو می عسکری به مراکز جلب و احضار بشتابید و صفوف قهر ما نان قوای مسلح را هرچه بیشتر فشرده سازید و با ینصورت وظایف حساس و تاریخی خود را در پیشگاه مردم وانقلاب نجیبانه بجاکنید .»

(سپین)



نامهٔ یک سرباز

محمد امین و لد سخی دادسر باز بطریه دوم کندك دافع هوای قوای پانزده زرهدار، نامه‌یی بمافرستاده‌که ضمن امتنان از نشر صفحهٔ نظا می جریده حقیقت انقلاب ثور چنین‌نوشته است .

افتخار میکنم که از میزان ۱۳۵۸ به‌این طرف در قوای مسلح جمهوری دمو کراتیك افغانستان به حیث سر باز ایفای وظیفه مینمایم ، درداخل جزوتام ها وخارج از آنها صا حب منصبان و سر بازان مانند برادران همدیگر در نهایت صفا و صمیمیت به سر می برند واین دو ستی و صمیمیت ما را بیشتر از پیش به هم نزدیك میسازد . تمام سر با زان و صاحب منصبان قهر مان ما با مفکوره عالی وطن پرستا نه خدمت به مردم حاضر اند تا به قیمت جان شان از شر ف و نا موس وطن دفاع نموده و دشمنان مردم و انقلاب را با تمام قوا نابود سازند ، زیرا

ما ماهیت اصلی و تلاش های این اجیران و گماشتگان امپریالیزم را در ك نموده ایم و به چشم سر دیده ایم که اشرار به قتل و غارت و دزدی و دهشت افگنی می پردازند و زندگی مردم بیچاره ما را اخلال مینمایند ما بعد از چشم دید خویش از اعمال جنایتکارانه این فرومایگان، تصمیم گر فتیم تا مرد م را از شر این جنایت پیشگان آسوده نموده ووطن را از وجود شان پا ك گردانیم ، به همین منظور در خو ست

نجراب ، تگاب و پر وان جهت سر کوبی عناصر ضد انقلاب‌داوطلبانه اشتراك نمودیم .عده‌یی ازدشمنان‌وطن وانقلاب‌راسر کوب‌وعده‌یی راهم‌دستگیر نمودیم وآن عده که هنوز موجود اند، بدانند و آگاه باشند که اردو ی قهرمان و شکست ناپذیر ج.د.ا.چون کوه استوار در مقابل آنها قرار دارد و هر گاه بخوا هند زندگی صلح آمیز مردم را اخلال نمایند ، با مشت های پولادین و ضربات کشنده اردوی قهر مان ومردم ماسر کو ب گردیده ونابود میشوند .

مردم نجیب ما میدانند که‌اردو ی قهرمان افغا نستان پا سدار صلح‌و امنیت کشور و آرامش همو طنان‌نجیب ما است ، دشمنان بدا نند که‌اردوی افغانستان خدمت گزار مردم بوده واز هیچ گونه فدا کاری در امر تا مین رفاه و آسودگی مردم ما دریغ نمی کنند .

وگواه زنده این ادعا این است که ضد انقلاب در برابر ضربات اردو ی ماتاب مقاومت راندا شته و روز تاروز باشکست و عقب نشینی ها موا جه میشود .

اردوی ما اکنون یك اردوی آزادی بخش مردم افغانستان یك اردوی طراز نوین درج‌به‌وسیع جهانی صلح ، آزادی وترقی قرار دارد .

(رفیق ببرك کارمل)

تلاش برای تکامل و شگوفانی استعدادهای سربازان



عبدالاحداز لوای ۳۷ کوماندوبا تابلویش .

قوای مسلح و قهر مان ما برای تامین شرایط مطمئن زندگی و کارصلح آمیز مردم ما با پیروزی انقلاب ثور مخصوصاً بعد از مر حله تکا ملی آن فدا کاری ها و حماسه های زیادی به یاد گار گذاشته و در پهلوی آن به خاطر شگو فانی استعداد های هنری

سربازان هم تو جه خاصی مبذو ل گردیده که این خود نمایانگرآن است که قوای مسلح و قهر مان ما بامهر خدمت به مردم از حقوق حقه سر بازان دفاع نموده و مانند گذشته ها نمیگذارد که حقوق سر بازان‌پایمال شده وهم استعداد های هنری شا ن نهفته بماند . طی با زدید از لوای ۳۷ کوماندو و مصا حبه با چندتن از سر بازان آنجا ، چند تابلو جلب توجه میکرد ، نقا ش این تابلو ها عبدالاحد سر باز لوای کوماندو بود که لحظهٔ چند باوی صحبت نمودیم.

از وی پرسیدیم: به‌حیث یك هنر مند که سلاح بدوش و قلم بدست دارید دوره مکلفیت عسکری یا هنر مند را چطور ارز یا بی میکنید ،

جواب داد :

«درقوای مسلح ج.د.ا، هنرو هنر مند مورد تشویق زیاد قرار داده میشود و تاحد امکان زمینه برای هنر مندان مساعد گردیده تا آنها بتوانند هنر شانرا انکشا ف و مورد استفاده دیگران قرار بد هند .»

وی افزود :« خیلی خو شحا لم ازینکه در دوره مکلفیت زمینه کار هنری نیز برایم مساعد است ودراثر تشویق‌صاحبمنصبان و رفقایم میتوانم به مشق و تمرین بپر دازم ، چندی قبل تابلویی بنام «دوستی» نقا شی کردم که‌ازطرف لوای‌کماندو به انجمن دوستی به قسم تحفه‌اهداء گردید که از طرف انجمن دو ستی با تشکر پذیر فته شد واین افتخار یست که در دوره مکلفیت در زمینه هنربدست

آورده ام و تابلوی دیگری بنام مارش به یکی از نوا حی حز بی از طرف لوای کوماندو اهداء گردیده است که مورد پسند اعضای نا حیه مذکور قرار گرفت .

از عبدالا حد پرسیدم :آیا از سرایط زندگی در قوای مسلح را ضی هستید ؟

به سنگینی ووقار جواب داد :

«من سر باز هستم‌واو لترازهمه به وظایف مقدس عسکری متو جه می باشم گذشته از اینکه بعداز مر حله تکاملی انقلاب ، زندگی در قوای مسلح قهرمان ما بهتر شده است ، رو یه نیك صاحب منصبان در مقابل سر - بازان نیز قابل یاد آور یست ومهمتر اینکه هنر مندان مورد توجه وتشویق قرار میگیرند، مثلا در اینجا تمام وسایل نقاشی برای من آماده گردیده و هر زمانی که بخوا هم میتوانم نقاشی نمایم «البته وظایف مقدس سر بازی مقدم تر است» و تا حا ل در حدود بیست تابلو نقاشی نموده‌ام

ودر اثر توجه و تشویق مقا مات مسئوول چندی قبل مدت پانزده روز به اتحاد شوروی سفر نمودم با زدید مفصل من از آثار تاریخی و هنری کشور دوست ما ، مرا بیشتراز‌پیش در هنرم تشویق نمود .»

از وی پرسیدم : بعد از انجام دوره مکلفیت چه میکنید ؟

جواب داد : « مسلما که هنر نقاشی را تعقیب میکنم ، زیراتشویق وتوجه قوای مسلح ما در زمینه هنر، مرا به آینده هنر و آینده خودم امیدوار نموده و باتمام قوا و شوق در انکشاف هنرم سعی وتلاش خوا هم کرد .»

وی در اخیر از قوماندا نان و آمرین خویش در مورد اینکه باتمام سر بازان نه تنها در زمان تعلیم و تربیه عملی ، بلکه در جریان تدریس دروس سیاسی وحل‌مشکلات زند گی شخصی آنها رویه برادرانه دارند اظهار امتنان نمود .

(ص)

مردم شریف بدخشان از انقلاب پشتیبانی مینمایند

پایه های توده‌یی انقلاب ثور پس از مرحلهٔ نوین تکاملی آن در بین توده های میلیونی مردم ما تحکیم یافت ، مبارزهٔ بر حق و عادلانه ما متکی بر نیروی مردم و اصو لیت انقلابی ، روز تاروز به‌پیروزی های چشمگیر میرسد . علت آن واضح است ، ما به صدا و نیاز های مردم خود گوش فرا میدهیم ، از آنها می آموزیم و در دور ترین نقاط کشور ، در قلب دره‌ها وکوه‌ها بخدمت آنها می شتابیم و در امر رهایی کامل آنها از استثمار و استبداد فیودالی مبارزه بی امان خود را تا سرحد نهایی میر سانیم .

دشمنان ما باید بدانند که حزب ما ، حزب دمو کرا تیك خ.ا ، این توانایی را دارد که از دستآورد های انقلاب دفاع نماید ، زیرا بر سکو های ارادهٔ پر توان مردم متکی بوده و پیوندش با مردم و قوای مسلح ما نا گسستنی میبا شند .

بر مبنای همین واقعیت و کار و پیکار انقلابی ماست که مردم هرچه بیشتر بدور حزب متمرکز میشوند و صف نیرو مندی خویشس را علیه ضد انقلاب فشرده تر می سازند .

همه میدانند که در اثر ظلم و بیداد گری های امین و باند خون آشام وی ، عده یی از همو طنان ما مجبور به‌ترك وطن گردید ند . اما با قیام پیروز مند شش جدی ، عدهٔ زیادی از آنها به آغوش پر محبت وطن باز گشتند و حین ورود به میهن عزیز و انقلابی ما مورد استقبال گرم و پر شور مر دم ، مسئوو لین حزبی و دولتی قرار گرفتند .

باید خاطر نشان ساخت که باز گشت روز افزون این همو طنان زحمتکشس ما به آغوش وطن و خانواده های شان ضربت شد یدی بر پیکر طرا حان توطئه ها ودسا یس علیه کشور انقلابی ما ، وارد آورده و پلانهای شوم آنها را روز تا روز عقیم ساخته است.

با اطمینان و قاطعیت میتوان یاد کرد که ضد انقلاب در وضعی قرار دارد که تحت فشار و ضربات خرد کننده قوای مسلح قهرمان ما و دیگر نیرو های مدافع انقلاب آخرین تلا شها ی مذبو حانه خود را مینما ید ، و از جانب دیگر حقانیت مبارزهٔ ما بخاطر انسان زحمتکش . توده های ملیو نی مردم ما را ، بدور حزب و دولت تجمع می بخشند و صف مدا فعین انقلاب را فشرده تر میسازد .

به این تصو یر بنگر ید در آن رفیق راهی منشی کمیته ولایتی ، رفیق راسخ والی و رفیق دوست محمد بخرکی معاون سیاسی غند ۲٤ بد خشان وعده یی از صاحب منصبان و سر بازان با مردم شریف ولایت بد خشان دیده میشو ند . آنها بعد از اینکه‌با مردم مسایل مربوط به‌سیاست حزب و دولت را در میان گذاشته و اعمال زشت ضد انقلاب ر افشاء نموده اند با مردم آزاده و شجاع بد خشان از نزدیك صحبت نموده و در باره قانون مکلفیت عمو می عسکری نیز معلو ماتی ارائه نمودند و دراخیر مردم شریف ولایت بد خشان پشتیبا نی بی دریغ شانرا از اهداف والای انقلاب ابراز داشتند که این خود نمایانگر آنست که پایه های توده یی انقلاب با پیروزی مرحلهٔ تکاملی آن‌ریشه دار و عمیق شده و پیوند حزب ، قوای مسلح و مردم نا گسستنی تر میگردد .



هدف ازمبارزهٔ مامحو کامل ضدانقلاب و تأمین زندگی صلح آمیز مردم ماست

ار دوی با شهامت و قهرمان ما در روند مبارزه علیه ضد انقلاب روز تا روز آبدیده میگردد، تشدید مبارزه علیه این اجیران و فرو خته شدگان به امپر یالیزم وامحای کامل آنها و تحکیم هر چه بیشتر قوای مسلح ج.د افغانستان از اهداف حزب ودولت ماست .

باید خاطر نشان سا خت‌که در مقا بل قهر ما نان ورزمندگان‌قوای‌مسلح ماهیچ قدرت اهریمنی و هیچ نیروی خصم نمیتواند مقا ومت کند، قو ای مسلح قهر ما ن ما بی هر اس بر آشیانه های ضد انقلا ب‌در کوه‌ها ، دشت ها و در دره های دور دست کشور یورش می برد واین دشمنان انقلاب، دشمنان خاك و دشمنان مردم مارا نابود میسازند .

میر علم سر باز کندك دوم غند ۷۲ فر قهٔ ۸ که از جملهٔ قهر ما نان قوای مسلح‌ماست میگوید:

«من و ر فقا ی هم ر ز مم، علاقه زیادی به مردم دا ریم و برای آرامی و آسو دگی مردم از هیچ نوع فدا کاری در یغ نور زیده و حا ضریم تا محو آخرین بقایای اشرار تا پای جان برز میم و به همین منظور در بعضی از نقاط کشور مثل پنجشیر، بامیان، نجراب، تگاب لوگر، چك‌وردك ، دشت‌ارچی، امام‌صاحب در سر کوبی‌اشرار که جز دز د ی ، قتل و اخلال زندگی صلح آمیز مردم کاری ندارند اشتراك نمودیم و در هر قریه و قصبه مردم از ما استقبال خو بی مینمودند ودر افشای اشرار این جیره‌خواران امپر یالیزم با ما کمك‌مینمودند ودرهر جاییکه‌با مردم رو برو میشدیم از ما استقبال برادرانه مینمودند، ما از نز دیك باآنها صحبت میکر دیم وبرا یشا ن اطمینان میدا دیم که به زود ترین فرصت آ خرین بقا یای این دهشت افگنان بکلی محو گردیده و زمینهٔ ز ندگی‌صلح آمیز برای همه در تمام نقاط کشور آما ده میگردد.»

میر علم سر باز ضمن‌پیامی به‌جوا نان کشور گفت:« وظیفهٔ هر جوان وطنپر ست ا ست‌که با درك احساس مسئو لیت در مقابل مردم و میهن از هیچ گو نه فدا کاری دریغ ننما ید، مخصو صا جوانا نیکه به سن قانونی مکلفیت عسکری‌رنسیده اند باید با استفاده‌از قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری یك آن او لتر به ار دوی قهر مان خود پیو سته رسالت تاریخی وو جیبهٔ ایمانی و وجدانی خود را در جهت دفاع از وطن، انقلاب و مردم اداء نما یند و افتخا رات تاریخی‌را کمایی نما یند.»

توران



ورانکی یك عضو سابق ایالات‌متحده امریکادر مذاکرات تحدید اسلحه استرا تیژ یکی اتمی‌میان اتحادشوروی وامریکا طی یك مصاحبه رادیویی در بلژیك گفت: خط مشی تقویت قدرت نظامی امریکا تعادل ستراتیژیکی شرق و غرب را تهدید میکند.

* * *

به گزارش اسو شتیدپرس یك ساز مان ترور یستی که ازطرف پیکنگ حمایت‌میشود دو بمب‌دستی رادریك کلیسای کاتو لیك واقع شهر(آوا) در فلیپین پر تاب نموده که دراثر انفجار آن هفت نفر کشته و شصت نفر د یکر زخمی شده اند.

* *

طبق‌خبرآژانس فرانسپرس در اثر زدو خوردشبانه میان پو لیس و جوانان رنگین‌پوست در پارك‌فنبری واقع‌شمال لندن بیست‌و دو نفربشمول دو نفر پو لیس مجروح و چهل نفر دیگر گرفتار شده اند.

درین گونه واقعات طی هفته اخیر ۱۴۹ پولیس زخمی شده چند مغازه‌آتش گر فته‌و نزدیك به دوصد تن‌دستگیر شده اند.

* * *

روزنامه (روزالیو سف)در ارتباط به سیاست ارتجاعی رژیم کنونی مصرنگاشته است که اگر این سیا ست، از ین بیشتر ادامه یابد به تشدید دشواری های اقتصا دی و، اجتماعی جا معه مصرمنجر میگردد.

بیانیهٔ‌شفاهی رفیق کارمل...

(بقیه ص اول)

رفقای سر باز قهرمان، هر افسر هم سرباز است، بیك نکته عمیق باید بار ها بیاندیشیم که افغا نستان علی الرغم عقب ماندگی باساس اراده مردم آزاده افغا نستان، به قدرت‌بازوان فو لادین قوای‌مسلح افغانستان بر هبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان ر ستا خیز عظیمی را در آسیا برپا داشت (هورا و کف زدنها).

این رستا خیز عظیم در آسیا در وجود انقلاب ظفر آفرین ثور و بخصو ص مرحله جدید آن بصورت برجسته و در خشان تبارز یافت.

علی الوصف اینکه این تذکرات را من به کرات ارائه کرده ام لیکن آنرا از جمله آن اصول اساسی می پندارم که باید بار ها و بار ها تکرار گردد.

بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و جدید آن به صراحت تکرار میکنیم وتاکید مینماییم که هر گاه کمك به هنگا م اتحاد شو روی نمیبود امروز افغا نستان انقلا بی، آزاد ومستقل‌وجود نمیداشت.

این را من در بزر گترین تریبیون بین المللی، در کنگره بیست و ششم حز ب کمو نست اتحاد شوروی، در کنگره حزب لنین با با نگ رسا و با صراحت بنام مردم افغا نستان اعلام داشته ام. (کف زد نها و هورا ها)

رفقا، دوستان، افسران قهرمان،

چرا این نکته را باید تاکید کرد وآنرا بر اساس عشق وطنپر ستی، عشق خدمت گزاری به مردم مظلوم و رنج کشیده افغا نستان عمیقاً در عقل و خرد خود تشخیص داد. برای اینکه امروز تمام ارتجاع بین المللی، امپریا لیزم بین المللی در راس امپریا لیزم امریکا، هژمونیزم مرتد چین، رژیم نظامیگر پا کستان، محافل ارتجا عی پاکستان این دشمن کهنه‌کار مردم افغا نستان، این وارث استعمار و امپریا لیزم انگلیس، ارتجاع اعراب، ارتجاع‌ایران، ار تجاع‌داخلی‌و ضد انقلاب سعی میکنند که افغا نستان را تجرید وانقلاب افغا نستان را سر کوب کنند، از کدام طریق؟

ازین طریق که دوستی مستحکم افغا نستان و شوروی را در گام اول برهم بزنند و از احسا سات مردم افغا نستان بنابر عقب ماندگی بنابر بیسوادی سوء استفاده نمایند، در حالیکه امر مسلم است که افغا نستان کشور زحمتکشان مسلمان است، مگر علی الو صف آن ما به خاطر داریم یك مرحله غم انگیز و تراژیدی کشور خود را که در وقت نهضت غازی اما نالله بوجود آمد و در آن وقت دشمنان ما، استعمار کهنه کار انگریز زیر همین نامها و خصو صیات عقب ماندگی افغا نستان به کمك یك سلسله خانواده های ایجنت و اجیر خود توانست که نهضت جوان انقلابی افغا نستان را در نطفه خفه سازد.

علی الر غم تمام فشارهایی که ضد انقلاب وارد کرد، از لحاظ اقتصا دی، سا لیکه گنشت در افغا نستان به تناسب او ضاع و احوال شرایط مساعد بود، ما در پلانهای اقتصادی خود، میتوان گفت، که موفق و پیروز بودیم.

درین روز هاییکه جبهه ملی پدر وطن هم تشکیل خواهد شد، باتکای اردوی قهرمان ا فغا نستا ن ما تا آخر در مبارزه علیه ارتجاع، امپریا لیزم و هژ مو نیزم برا ی‌دفاع از دست آورد های انقلاب ثور به پیشس خواهیم رفت، و انقلاب ما ادامه دارد.

مگر از آنجا یکه پاکستان آله و وسیله امپریا لیزم و هژ مونیزم قرار گرفته است و یك رژیم نظا میگر در آنجا حاکم است یعنی یك رژیم ترور و کودتا، بدین مناسبت از خود اختیار و صلا حیت ندارد که بر میز مذاکره بنشیند و ما مسایل را ازلحاظ سیاسی حل و فصل کنیم.

مگر رفقای گرامی، باید باطلاع شما رسانیده شود که رژیم نظا میگر پا کستان بالای انبار باروت نشسته است.

روز بروز نیرو های وطنپرست، ملی، دموکراتیك و تحول طلب پاك ستان باهم متشکل تر شده میروند و مبارزات خود را علیه رژیم نظا میگر پاکستان تقویت و بیشس از پیشس تقو یه مینمایند.

همچنین با طلاع شما باید رسانیده شود که در ایران‌هم وضع بروفق مرام نیرو های ارتجاعی و امپریا لیستی نیست، نیرو های ملی وطنپرست ایران روز بروز رشد و تکامل میابد.

همچنین رژیم ماو یستی پیکنگ بیك بحران سیاسی و نارضایتی مردم دچار و مواجه است، تضاد های کشور های امپریا لیستی و بحران در کشور های غرب روز افزون است، تناسب قوا روز بروز به نفع نیرو های صلح، آزادی و ترقی رشد و تکامل میکند، بدین تر تیب در مبارزات انقلابی ما ازیك طرف تناسب قوا به نفع ماست وما دوستان بزرگی داریم در راس اتحاد شوروی بزرگ، لهذا انقلاب ثور و آرما نهای انقلاب ثور بر گشت نا پذیر است.

رفقا،

نکته دقیق و مهم دیگر اینست که، هیچ طبقه، حزب و حتی نابغه ها پیشبینی‌کرده نمیتوانند، که انقلاب دریك کشور به چه شکل از کجا شروع و آغاز میگردد.

انقلاب افغانستان براساس پر و سه رشد و تکامل جنبشس آزادی بخشس ملی افغا نستان که ابتکار انقلابی را حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان بدست گرفت در واقعیت امر از کانون پر قدرت شجا عانه و وطنپرستانه اردوی افغانستان آغاز یافت.

رفقا، افسران همرزم، رفقای عزیز، دوستان محترم، از آنجا ییکه به اتکا ونیروی اردوی افغا نستان، مردم افغا نستان تحت رهبری‌حزب ما، انقلاب آزا دیبخش را آغاز کرد، اکنون وظیفه سنگین درجه اول تاریخ باز هم بعهده قوای مسلح افغا نستان، بعهده شما جوانان قهر مان افغا نستان است.

که تابه آخر، انقلاب ملی و دمو کرا تیك ضد فیودالی و ضد امپریا لیستی به پیروزی نهایی برسد.

پسس توجه کنید رفقای عزیز، که اردوی آزادی‌بخشس مادیگر ار دوی ط ر ا ز کهن نیست، اردوی ما اکنون یك اردوی آزاد یبخشس مردم افغا نستان، یك اردوی طراز نوین در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد.

حرف من اینست که اردوی ما تنهـا، تجرید شده در زیر یو نیفورم های نظامی خود دیگر نمیتواند زندگی کند، اردوی ما چون یك قد ر ت پر تحرك در اعماق توده های مردم یکجا دوش بدوش باید از دست آورد های انقلاب و از خاك مقدس خوذ علیه جنگ اعلان ناشده خارجی برزمد و از وطن و آزادی دفاع کند.

توجه بفر مائید که هدف من این است که اکنون اردوی ما از جنرال تا سر باز بایدچنان آزموده و آب دیده گردد، چنان تحرك پیدا کند، چنان بامردم بیا میزد که به اتکای مردم، با مردم دوش بدوش مردم بحیث قدرت عظیم یکجا تحت رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان از یکسو، از بیخ و بن تمام دشمنان افغا نستان را که در خاك ما صلح و آرامشس را برهم میزنند باید محو و نا بود سازد و ازطرف دیگر به کمك قوای مسلح آزادیبخشس افغا نستان دوش بدوش با مردم افغا نستان زندگی نوین سعاد تمند و خو شبخت را مطابق با هداف انقلاب به پیشس برد.

* * *

رفیق ببرك کار مل بعد از اهدای مدالها به آنعده از افسران و سر بازان که در راه دفاع از وطن و انقلاب شجا عانه‌و قهر ما نانه رزمیده اند، خطاب به آنان این اظهارات را بعمل آورد:

قو ماندا نان شرا فتمند افغا نستان،

در این جای شکی نیست که در جهان دیروز و امروز بخصوص در او ضاع واحوال جنبشس های انقلابی آزا دیبخشس مردمان جهان، احترام گذاشتن و تقدیر معنوی و مادی از شهیدان و قهر مانان مرسوم است.

تمام سر بازان، خردضابطان وافسران‌افغانستان‌که‌در سنگر ها به نحوی تاکنون ازدست آورد های انقلاب ثور دفا ع کرده اند، معناً قهر ما نان خلق افغا نستان هستند، ولیکن قهر مانی جاویدانی عبارت از آن قهر مانی است که همیشه از یك پیروزی به پیروزی دیگر از یك سنگر به سنگر دیگر به قله های شامخ ترقی و آزادی‌کشور خود نایل آئیم.

ببینیم قهر مانان جاویدان کیانند؟ کسانی اند که بدون آنکه لحظه یی بخود بیا ند یشند، همیشه دراعماق وجدان و روح و قلب وشرف خود در باره نسلهای آینده کشور خود، در باره سعادت و خو شبختی مادی و معنوی و رفاه فرزندان، کود کان، پسران و دختران آینده وطن مقدس خود می اندیشند، چنین قهر مانان جاویدان اند.

زنده باد چنین قهرما نان.

یکصد و یازد همین میلا دلنین:

زندگی وآثار لنین

نبشته مختصر «ز ند گی وآثار لنین» بز رگتر ین دانشمند نا بغهٔ انقلا بی عصر ما، این پر کار ترین، سا ده ترین و فرو تن ترین انسا ن سده ما را که پیوسته «با اصو لیت خدشه ناپذیر» و با«محبت بی انتها نسبت به انسا ن زحمتکشس» می اندیشید با این سخنا ن هانر ی باربوس نویسند ه شهیر فرانسه می آغازیم که میگفت: «آنچه در آموزش و ی در قد ر ت اندیشه وارا ده و ی ... بویژه دچا ر شگفتگی نمود ه توانایی او ست در تمیز واقعیت از حر ف و شبح در کمید ی عظیم بشر یت، او به اندیشهٔ معا صر هد ف بخشید، کو ششس های گذشتهٔ را که کور مال کور- مال انجا م میگر فت بر ا ه واقعی انداخت وبدان خلاقیت واقعی و پو زیتو یزم بخشید. او نشا ن داد که ازاین پسس تحو ل عظیمی در خود نظا م اشیاء رخ خواهد داد».

تاریخ معا صر که با بزرگترین رو یداد دو ران ما با پیروز ی انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتو بر دوران تاریخی نوین گذ از ازسرمایه دار ی به سو سیا لیز م آغاز گردید ه، سیستم جها نی سو سیا لیز م بو جود آمد ه وجنبشس کار گر ی به‌بزرگ ترین پیروز ی های شگر ف در مبارز ه علیه امپریا لیز م د ست یا ز ید ه و سیستم امپرا طور ی استعمار ی‌کهن مضمحل و نهضت های آزادی بخشس ملی در سه قاره آسیا افریقا، وامریکا ی لاتین، میدا ن بزرگترین پیکار های تاریخی، انقلابی، او ج بیسا بقه یا فته ا ست با نا م لنین و آموزش ستر گ ك و دورا ن سا ز لنینیز م پیو ند نا گسست دارد. لنینیز م سلاح بر نده آ ن نیرو ها ی اجتماعی است که رسا لت تاریخی آنها استقرار چنان نظا م به مقیاس جها نیست که مبرا از هرگو نه‌استثمارو ستم اجتماعی، اقتصا دی، ملی و نژاد ی باشد، نظا م عدالت گستر و بهرو ز ی بخشس... آفریننده لنینیز م این مار کسیز م‌دو را ن‌معاصر دوران گذار از سر ما یداری به سو سیا لیزم، لنین است.

ولاد یمیر ایلیچ اولیا نوف (لنین) در بیست و دوی‌اپریل ۱۸۷۰، در شهرسیمبر سك (اولیانو سك کنو نی) دیده بجهان کشود. ولا د یمیر کود ك پر استعداد و با فراست بود و عشق شگفت انگیز به مطا لعه ادبیا ت وبه ویژه به آثار ی که علیه ر ژ یم ا تو کرا تیك تزار نگاشته شده بو دداشت. وضع ر قتبا ر ز حمتکشا ن در «دل و مغز لنین محبت‌بی کرا ن نسبت به ز حمتکشان وکین سو زا ن نسبت به ستمگرا ن» رابر انگیخت.

لنین شانزد ه ساله بود که پدر ش در گذ شت و کمی بعد تر الکسا ندر برا در بزرگ لنین به علت سوء قصد به جا ن تزار روسیه تیر بارا ن شد لنین درین دو ران به طرز دا هیا نهٔ گفت: «نه ما ازین را ه نخوا هیم ر فت‌نه باید ازین راه ر فت». لنین در سا ل۱۸۸۷، مکتب را با مدال طلا به پایا ن رسا نید ووارد فاکو لتهٔ حقوق کازا ن شد درین دور ه لنین با شرکت در محافل پنها نی محصلین انقلا بی از فاکو لته احرا ج و زندانی گردید.

لنین در یکسا ل تبعید همان طور ی‌که بعد ها خود بیا ن نمود ه «شاید هیچ گا ه در عمرم حتی در زندان پترز بورگ و حتی‌در سایبریا به اندازه یکسا ل تبعید م‌در ده از کازا ن کتا ب نه خوانده ام». لنین در هجده سالگی یك مار کسیست مسلط بر آموزش مار کسیز م‌و‌مبلغ پر شور و بر جستهٔ‌اندیشه های سو سیا لیز م علمی بود. لنین دراین دور ه با محافل مار کسیز م رابطه بر قرار کرد و درسا ل ۱۸۹۳، عازم پتر ز بورگ شد. سال های ۱۸۹۳-۱۸۹۴ سد عمده در برابر جنبشس انقلا بی طبقهٔ کارگر تشکیل حزب مار کسیستی نا رود ینیك های‌لیبرال بود، نخستین آثار لنین که علیه این گرو ه نگاشته شد شا مل آثا ر «انکشا فا ت اقتصا دی نوین در حیا ت دهقانا ن»، «درباره به اصطلاح مسا لهٔ مارکیت»، «دوستان مردم کیا نند و چگو نه علیه سو سیا ل دموکرا ت ها می جنگند»، «مضمون اقتصادی نا رودنیزم وانتقاد از آ ن در کتا ب آقا ی استر وو ه». است این آثار به طور عمد ه متو جه نارو دینیك ها و«مار کسیست های مجاز» است لنین درین آثار سیستم اقتصا د ی و اجتماعی رو سیه را در پایان قرن نزد هم تحلیل‌و بر خی از پرو گرا مها، پر نسیپ ها وو ظایف انقلا بی‌پرولتاریا روسیه را تنظیم وارزیا بی نمود، در سال ها ی ۱۸۹۵-۱۸۹۷ آثار متعد دی را د ر زمینه ها ی گو ناگو ن مانند «فریدریك انگلس»، «طرح پیشس نو یسس و تشر یح پروگرا م حز ب سو سیا ل دموکرا تیك»، «وظا یف سوسیا ل دموکرا ت ها ی روسیه» را در زمینه ها ی پرو گرا م، تاکتیك وسازمان ها ی آنها نگا شت آثا ر اقتصا د ی این دور ه که علیه آخرین بقایای نارودنیزم است مانند «مشخصا ت رو ما نتیسیز م اقتصا دی»، «پرابلمها ی عمو می صنا یع دستی» و رسالات مانند «قانو ن جدید فا بریك»، «نا مهٔ به کارگرا ن مرد وز ن فابریك‌تور نتو ن» است. در سال ها ی ۱۸۹۸-۱۹۰۱ مبارزهٔ لنین به طور عمد ه در زمینهٔ پیروز ی مار کسیزم انقلا بی در جنبشس طبقهٔ کار گر و افشا ی ما هیت ضد انقلابی نارود ینیکها، مار کسیست های مجا ز و اکو نو میست هاست که اندیشه های لنین در آثا ر برجستهٔ مانند «یاد داشت در بار هٔ مسالهٔ تیور ی‌مارکیت»، «کپیتا لیز م در زرا عت»: (کتا ب کاو تسکی و مقا له بلگا کو ف) است که علیه مار کسیست ها ی مجا زکه در صد د تابع سا ختن‌مبارز هٔ طبقهٔ کار گر در جهت منافع بورژواز ی بودند نگا شته شد. درین دورا ن لنین در تدویر نخستین کنگر هٔ حزب سو سیا ل دمو کرا ت کارگر ی رو سیه در تبعید اطلاع حا صل نمود آثا ر د یگر لنین ما نند «اعترا ض سوسیا ل‌دموکرا ت ها»، «گرا یش ا نحطا طی در سو سیا ل دموکرا سی روسیه» و آثار دیگر یست که علیه اکو نو میست ها نگاشته شد ه‌است، ازآثا ر واسنا د متعد د دیگر این دو ر ه «ماه می در خارکوف»، «محاکم فابریك»، «پروگرام ما»، «طرح پرو گرام ما»، «وظایف مبر م جنبشس ما» وآثار بر جستهٔ دیگر است.

درین دور ه فعالیت لنین طرح موافقتنا مه با گرو پ آزا دی کار پلخا نو ف د ر بارهٔ نشرا ت روز نا مهٔ ایسکرا و مجلهٔ زا ر یا است. از بر جسته ترین اثر لنین که درسا ل ۱۸۹۹ تکمیل گردید «تکا مل سر ما یه داری در روسیه» است. این اثر ژرف ترین تحلیل‌تیوریك مار کسیستی و کار بست این پر نسیپ های تیو ریك با فاکت های رو سیه است. در ماه می سا ل ۱۹۰۱ و فبرور ی ۱۹۰۲ لنین‌رسالات ویاد داشت های متعد د نو شت که در ایسکرا به چاپ رسید ه است. این آثا ر مانند «از کجا باید آغازکرد»، «در سها یی از بحرا ن»، «بحث با مدافعین‌اکو نومیزم» واثر معرو ف «چه بایدکرد» است که نقشس عظیمی را در تشکیل حز ب ما ر کسیستی ایفا نمود و تحلیل رژف‌وهمه جانبه را در زمینه سا ختمان حزب مار کسیستی بد ست داد.

در جنور ی ۱۹۰۲ واگست ۱۹۰۳ لنین مبارز هٔ عظیمی‌را در ایسکرا برای تنظیم پرو گرا م انقلا بی بر ا ی حزب طبقهٔ کار گر آغاز نهاد. درین سا ل آثا ر بز رگی که با مسالهٔ مناسبا ت ارضی ودهقانا ن تیور ی اتحا د طبقهٔ کار گر با دهقـانا ن ارتبا ط دارد نگا شت که «پرو گرا م ار ضی‌سوسیا ل دموکرا سی رو سیه» از آن جمله است. مسا لهٔ ملی‌و مبارز ه علیه ناسیو نا لیز م بورژ واز ی و خرد ه‌بورژوازی در اثر معرو ف «مسالهٔ ملی در پرو گرام ما» و «آیا کارگرا ن یهود به حز ب مستقل سیاسی نیاز مند اند» میباشد. آثار این دور ه عصر جد ید ی را در مبارزه علیه «سوسیا لیست های انقلابی» ایفا نموده که‌از جملهٔ این آثار «اوانتو ریز م انقلابی»، «تز های اسا سی علیهٔ سو سیا لیست ها ی انقلا بی»، «چراسو سیال دموکرا ت ها باید جنگ تعیین کننده و بی ر حما نه را علیه سو سیا لیست ها ی انقلا بی اعلان کنند» است. نوشته های دیگر ی که علیه لیبرا لیز م بورژ واز ی د ر جنبشس نگا شته شده است «اتو کراسی در حال فتو ر ا ست»، «آقا ی استروه به واسطهٔ دسته اش افشا میشود» و «مبارز هٔ سیاسی و حیلهٔ سیاسی» ا ست. در زمینهٔ کا ر ساز مانی لنین آثار برجسته نگا شت که «نا مه به یك رفیق درباره وظایف ساز مانی»، «طرح پیشس نو یسس حز ب سو سیا ل دموکرا ت کارگر ی روسیه» است که در آ ن پرنسیپ های ساز ما نی حزب مار کسیستی استا دانه طرح و تنظیم شده است.

دو مین کنگر هٔ حز ب سوسیا ل دموکرا ت کارگری روسیه در هفد ه جو لا ی ۱۹۰۳ گشایشس یا فت لنین آثار متعد دی در ین د و ره نگاشت که میتوا ن ازند ر بار هٔ و ظایف جنبشس سوسیا ل دموکرا تیك»، «نظر یا ت مار کسیستی د ر بار هٔ مساله ار ضی دراروپا وروسیه»، «نخستین بیانیه دربحث در بار هٔ اساسنا مهٔ حزب» و«آخرین سخن د ر بار ه ناسیو نا لیز م‌باندیست» هارا یاد کرد. ا ز سپتا مبر ۱۹۰۳ الی دسا مبر ۱۹۰۴ مبارز ه و فعا لیت لنین برای تنظیم حز ب طبقهٔ کار گر متمرکز بود که دراثر مهمی مانند «یك گام به پیشس و دوگا م به عقب» باز تاب گردیده است.

(باقیدارد)

ستارهٔ یاقوت کرملین دمی از سوختن باز نمی ایستد

راست گفت ، فدریکو گارسیا لور کا:
«مرا با دلالان کتا بها ودفتر ها
ـ باز ماند گان نســـل موریانه های کاغذ ین
سخنی نیست.» *
راست گفت ، فدر یکو گارسیا لور کا !
وقتیکه هیرو گلیف زمان در گسترهٔ بر جبین فـــرق
رستا خیز «پاراپیته کوس‌ها» نقش می بندد
وز ســـو ا ســـی آ دمـــی به غصب چکا چاك سور تمه
«پولاد زره» از رواق ز مـــا نمنتهی میگردد
و یا د ستان کتا بهـــا، نو شته ها و سر و د هـــا
از طبراق تاریخ ، با هیچ وپوچ بر میگر دند
مارا نیز
با ((باز ماندگان نســـل موریانه های کاغذین
سخنی نیست .))
اما که در تلالو اندیشـــه‌های پران بربرگ های کتاب
چهرهٔ واقعی مـــان را درشفاف آبنوس های آشیری
«او ریل» شستشو مید هیم
یا در زلال «همهٔ قدرت‌بدست‌شورا ها »!
با کتاب ها سخنی است .
در « دوتکتیك»
در «چه باید کرد؟»

. . .   .

. . .   .

تاریخ آخرین کبوتر سخن‌انسان را در گود انگشتـــان
تفکر مان میگذارد .
ـ ولا دیمیر ایلیچ‌لنین‌را ـ
که گویی منظرهٔ جدیدی درگذر گاه سر نوشت ما پدیـــد
آمد .
پس بگذار این ابـــر رزذر کرانهٔ هستی را
در تلالو شبا هنگام جار هاو ستاره ها
در مزامیر باغها، چشمه هاو دریا ها
در نوای نی شبانان یـــال‌های گشن هندو کش
در کویهای لگدمال شده ای که‌تازه نسیم رهایی برفرازآن
بال گسترا نیده است
ـ آنجاکه ، «کـــارتر» هـــا، «هیگ» ها و «ریگن» ها
باز بونی تمام ، روز هایی‌سقوط شان را به ســـوگ
نشسته اند ـ
به یاد کرد بگیریم !
که هدیهٔ آنروز است ـ
اگر پرستو های رهایـــی‌کران تا کران وطـــن را در
مینوردند
و یا اگر
« ستارهٔ یا قوت کـــر ملین‌دمی از سو ختن باز نمـــی
ایستد.» **

« ل. پدرام »

* از : فدریکو گار سیـــالورکا ـ تر جمهٔ : و . باختری
** از : ا. طبری

سیمای لنین در آینهٔ زندگی خصوصی

ترسیم درست ، کامل و همه‌جانبه زندگی خصوصی ولادیمیر ایلیچ لنین، انسانی که استعداد سر شار انسانی وعشق بی پایان به توده های ملیونی زحمتکشان اورابه رهبر توانا ،دانشمند پرمایه، سازمانده خلاق،انقلابی‌خستگی ناپذیر و اصو لی،رهبرانقلاب‌وسمبول اخلاق پرولتری مبدل ساخته کاری ساده نیست ۰ دشواری وپیچیدگی این امر بخصوص‌درآن‌نهفته‌است که‌مرزهای زندگی خصوصی‌واجتماعی او چنان باهم آمیخته که غیر قابل تفکیك است زیرا اواز همان نخستین روز های جوانی اش باکار وپیکارانقلابی‌دلبستگی‌یافته وبا هزاران رشته به حزب ومردم خود پیوند داشت ۰ زندگی او سرشار از عشق به انسان زحمتکش اســـت او همیشه باتوده ها است ،به نیرومندی وسازندگی آنها باور داشته بابیداد و ستمگری ، جهل وظلمت آشتی ناپذیرو بر دشمنان طبقاتی بی ر حم‌است، از گفتن حقیقت ترسی ندارد زیرا درذهن او فردای تابناك انسان نقش بسته‌بود، باهنرو ادبیات‌عشق میورزید ، موسیقی را دوست داشت ، خود پیانو مینواخت ودر سرود های انقلابی دسته جمعی حصه میگرفت ، درمیان اعضای‌فامیلش نمونهٔ صمیمیت و محبت پرشورانسانی بود ، در کارهای روزمره فامیلی سهم فعال داشت ، ساعت های فراغت خودرا در شکار و ماهیگیری ، گردش ودیدن مناظر طبیعی میگذشتاند اطفال را بی حددوست داشت‌و باآنها شوخی‌میکرد. هیچوقت بر کسی رشك وحسد نمیبرد زندگی ساده و بی تکلف اما منظمی را دوست میداشت ۰ از هیچ شکستی مایوس نمیشدوهیچ پیروزی اورامغرور نمی‌ساخت ، ازمدح‌سرایی‌نفرت‌داشت، درکسب دانش‌انقلابی وتوجه به تجربه عملی توده ها استعداد بینظیری داشت مجموعهٔ این خصلت ها چنان درسرشت او مزج یافته بود که مرزهای زندگی خصوصی واجتماعی اورا برهم میزد ۰

ولی در خشندگی زندگی خصوصی ولادیمیر ایلیچ اولیا نـــوف (لنین) نخست ازهمه‌زاده‌محیط‌مناسب خانوادگی اوست زیرا والدینش‌به‌خانواده منورین دموکرات مترقی تعلق داشت ، پدرش مردی با استعداد وزحمتکش بودکه به زندگی توده‌های‌زحمتکش مهر می‌ورزید واحساس عالی انسان دوستی درذهنش جا گرفته بود ۰ مادرش نیز زنی‌تحصیل دیدهٔ بود که‌بعد از تحصیل خانوادگی باگذشتاندن امتحان دیپلوم دارالمعلمین مکتب ابتدایی‌را بدست‌آورده‌وباچندین لسان اشنایی داشت ۰ برادر بزرگش «الکساندر» نیز عضو گروه ناردونیکها بود که درحادثهٔ سوء قصدبجان تزار روس نخست زندانی وبعد اعدام گردید واین حادثهٔ اثرات ژرف را درزندگی لنین بجا گذاشت ۰

لنین باداشتن استعداد بی نظیر خود توانست تحصیلات دوران لیسه رابا گرفتن مدال طلائی وتوصیفنامه‌درجه یك به‌پایان رساند ۰ در توصیفنامه اواین کلمات جاداشت «اولیانوف که خیلی بااستعداد ،دایما باهمت‌و دقیق‌میباشد درهمه صنوف‌اول نمره‌وحین تمام کردن لیسه مدال طلایی‌به‌اواهدا گردید زیرا که‌وی ازنقطه نظر موفقیت ها، تعلیم وتربیه وانضباط شایسته ترین است». محیط ظلمت باروحادثه آفرین روسیه آنوقت لنین راوادار ساخته بود که‌به ادامه تحصیلات یونیورستی در رشته حقوق واقتصاد سیاسی علاقه نشان‌دهد واین درست آنچیزی بود که مارکس دروقت خود آنرا تعین نموده بود ـ ولی فعالیت های انقلابی بزودی لنین راروانه سلول های زندان ساخت ۰

لنین به فراگرفتن زبانهای خار جی کسب معلومات تاریخی و مطالعه آثار دموکراتان روس علاقمند بود ۰ درهنگام مبارزات مخفی در داخل و خارج کشور مشترك بزرگترین کتابخانه های‌آنوقت چون کتابخانه پتر بورگ ، ماسکو، لندن ، پاریس ،برلین،ژینووغیره بود به هنر وادبیات عشق می‌ورزید آثار شکسپیر ، با یرون ، پوشکین‌وشیلر رانهایت دوست میداشت وبه اشعار شعرایی‌که‌معروف نبودندعلاقه داشت زندگی لنین مرتب‌وپلان‌شده‌بود صبح وقت بستر راترك‌گفته نخست به‌گردش میپرداخت بعدنامه‌های رسیده‌وروزنامه هارا میخواند و متعاقب آن به تقسیم کار بدیگران پرداخته وخود تاساعتهای یازده شب کار میکرد ۰ او نامه های رسیده را شخصا به ایستگاه میبرد تا هر چه زود تربدست‌هیات تحریر براودا برسد .

لنین دربین جوانان از احترام زیادی برخوردار بود ۰ زیرا او همیشه شاد وپرحرکت ، تندوپرنیرو بود . برخورد ساده روشن داشت باآنکه از مدعیان «همه چیز را میدانم» نفرت داشت‌ولی در صحبت صمیمی بودو هیچگاه برتری خودرا برخ دیگران نمی‌کشید ، به عقاید دیگران‌احترام داشت،از صحبت های دیگران ضد ونقیض‌گویی‌رابیرون کشیده وبدون آنکه‌طرف مقابل احساس سرمندگی کند آنرا تصحیح‌میکرد .در کاربه صحبت آوردن‌دهقانان وکارگران مهارت خاصی داشت ، ساده نویسی رادوست میداشت‌وبه زبان ساده‌نویسی کارگران رغبت نشان میداد چنانچه میگفت ((چقدر آنها ساده می‌نویسند مابراستی باید به‌مکتب اینها برویم هر اندازه زبان نوشتن‌به‌زبان گفتارنزدیکتر باشد بهتر خواهد بود)) .

لنین‌درامانت داری‌ومراعات نزاکت‌های اجتماعی در میان رفقای خود نمونه‌بود روزی یکی از رفقایش بنام پتروسکی چند ورقی ازنامه های رومن رولان‌راکه از روزنامه ژینو قطع کرده بود به او سپرد این اوراق چندی بعداز لنین غایب گردیده واو سخت ازین حادثه ناخشنود گردید ، تصمیم گرفت به‌هر قیمت که باشد آنرا بدست آورد وحتی شخصا به کتابخانه رفته رونویس‌آنرا بردارد اما زمانیکه این اوراق دریافت گردید در وقت تسلیمی به پترو سکی گفت «من بیش ازاندازه خوشحال‌هستم که این قطعات بریده شده روزنامه‌هارا پیدا کردم ودیگر در برابر شما هم‌آدم بی ادب وبی نزاکتی نیستم»

ایمان او بر پیروزی به حدی بودکه روزی‌یکی از رفقایش درسال ۱۸۹٦ از زندانی شدن همه‌رفقای خود در زندان به‌او شکوه کردو گفت «همه ماهی هادر رودخانه‌یخ زده‌اند...»لنین بایك‌لبخند همراه باچشمك زدن برایش گفت «خوب! بازچه‌ماهی‌هامردمانداما تخم ماهی باقیمانده است انسانها هم همین قسم اند ».

درسال ۱۹۲۰ ـ یکی از روزنامه نگاران ا مریکایی دو باره به‌مسکوآمد وآن روز های سختی بود لنین‌ضمن یك پیغام ، اطمینان به آینده راچنین‌برایش توضیح کرد «ما برامریکا رشك نمیبریم حتی امروز که زندگی تااین اندازه‌برای مادشوار است ۰امریکاثروت مند است وما بی چیز، امریکا نیرومند است وما هنوز خیلی ضعیف هستیم ... اما ما صاحب چیزی هستیم که‌درامریکا وجود ندارد ۰۰۰ماایمان داریم وبااین ایمان طی زمان ما همه چیز رابدست خواهیم آورد ۰۰۰»

لنین هرگز ازشکست زندگی‌مایوس نمیشد چنانچه در سال ۱۹۰٦درکنگره حزب واقع‌استکهلم بلشویکها در اقلیت ماندند واین شکست بود بظاهر بزرگ عدهٔ زیادی مایوس ودلزده شدند اما درسیمای لنین غروریك انقلابی آتشین وشکست ناپذیر نهفته بود و پیهم به رفقای خود میگفت «ندبه وزاری نکنید پیروزی باما است چون حق باما است»

زمانیکه درسال ۱۹۰۷ کنگره بعدی حزب‌درلندن گشایش‌یافت پیروزی‌دوباره نصیب بلشویکها گردید ولی‌بااین پیروزی نیز سراورا گرم نکرد وازخود نرفت وپیوسته به رفقای خود توصیه میکرد که نباید مجذوب پیروزی‌گردید واز آن غره شد باید پیروزی رابرای خود تحکیم نمود وباید دشمن رابطور قطعی از پا در آورد ... »

آشنایی‌ولادیمیر ا یلیچ‌لنین‌با کروپسکا یامعلم‌مکتب‌کارگری جمعی‌وتحکیم رشته محبت آمیزعشق ودوستی‌پایان ناپذیرآنهارنگ‌تازه به‌زندگی‌او بخشید.

زیرا لنین انسان رادوست داشت، انسان پر کارو خستگی ناپذیر،صمیمی وپر تلاش ، انسانی که به فردای‌تابناك زحمتکشان باور داشته وعشق بزندگی درسرشت او جاگرفته‌درعمل‌واندیشه‌اش انعکاس یابد ودرست کروپسکایا همسفر جدایی ناپذیر لنین یکی ازین انسانها بود .

لنین بعدازانقلاب کبیر سوسیالیستی نیز همان سادگی وانضباط قبلی راحفظ کرد . اطاق کاراو بهترین نمونه نظم انقلابی بود زندگی او چنان بی‌تکلف بود که روزی عده‌یی ازدهقانان‌دراتاق کار کمیسار خلق بااو ملاقات کردند. اطاق نهایت سرد بود در پایان‌صحبت یکی از دهاقین گفت «ولادیمیر ایلیچ چرا خانه تو اینقدر سرد است))اودر جواب گفت «برای اینکه چوب برای سوخت‌کم است وباید آنراصرفه‌جویی کرد» محبت اوبه رفقا ، دوستان و بخصوص اطفال وکودکان بیش از حد فزونی یافت ، شخصا به پرستاری دوستان خود میپرداخت، همیشه رفقای خودرا به حفظ صحت وتند رستی‌شان دعوت میکرد آنهائیکه تاناوقت های‌شب مصروف کار بودندوبه صحت خودتوجه نداشتند سخت مورد ملامت او قرار میگرفتند یکی‌ازرفقای‌حزب‌بنام اتزیو ـ روباسخت‌مریض بود بانهم به صحت‌و تندرستی خود توجه نداشت لنین در مورد او چنین‌نوشت«۰۰۰ که طرز رفتار اوبا ثروت ملی قابل تحمل نیست»

خانهٔ لنین در شهر گورکی محل تجمع‌وبازی‌اطفال دهاقین‌بود نیزادرین خانه او شخصا درخت تزئین شده کاج را غرس نمودودرآنوقت‌وجود یك‌درخت تزئین شده سال نو برای اطفال چیزی فوق العاده بود ۰

لنین بعدازانقلاب‌نیزهمچنان از مدح سرایی درموردخودنفرت داشت،زمانیکه اعضای کنگره درمورد پنجاهمین‌سالروز تولد ش به صحبت های پر شوری پرداختند، لنین اتاق‌کاررا ترك گفت وبه همین نسبت به ماکسیم گورکی گفته بود که «این سالگره ها چه کار مضحکی است »۰

درباره لنین ، سخن‌بسیار می‌توان گـــفت امـــا بـــهتر است ا یـــن حرف‌های ماکسیم گورکی نـــویسنده شهیر اتحاد شوروی را در مـــورد شخصیت ونقش انقلابی او به عنوان پایان کارتذکر دهیم که میگفت «هیچ نیرویی توانایی آنرا نداردبرمشعلی‌که لنین در تاریکی غلیظ دنیای سربه‌جنون زده بر افراشت پرده بیافگند وآنرا بپوشاند ...»

« ش ۰ ح »

بمناسبت یکصدو یازدهمین سالگرد تولد لنین

آموزش لنین، مشعل رهنمای رزمندگان انقلابی

لنین رابابد شنا خـــت : به مثا به آموز گار کبیر کارگران و زحمت ـ کشان جهان ، دانشمند بز رگـــ در عر صه انقلاب ، انقـــلا بـــی بزرگ در عر صه دانش ، پیشوا و سازمانده نخستین انقلاب پیروز مند پرولتری ، بنیاد گذار نخستین دولت کارگری ، دهقانی کشور سو سیا ـ لیستی شورا ها . بمثابه انســـان بزرگ ایکه : نبوغ ،عقل جســـور انرژی پایان ناپذیر ، اراده آهنیـــن وفاداری به ارمان های انقلابی طبقـــه کارگر ، بیزاری از بردگی وستـــم آشتی ناپذیری با اصحاب استثمار ، شهامت واز خود گذشتگی انقـــلابی، پیگیری در میهن پرستی و انتر نا ـ سیو نالیزم را در خود با تـــوازن غبطه انگیز جمع داشت .

لنین رابایذ شناخت . در آموزش عظیم انقلابی ودر باز تاب جهانـــی اندیشه و عمل اش ، درلنینیزم .

(۱)

لنین «با تکیه تمام و کمـــا ل» بر آموزش مار کس نقش عظیمـــی در تکامل تیوری مارکسیستی وتدوین استراتیژی و تا کتیـــك انقلابی ایفاء نمود . اگر مار کس و انگلس بنیاد گذاران جهان بینی طبقه کارگر بـــرای نخستین بار « سو سیا لیزم را از تخیل به علم تبدیل کردند » لنیـــن سو سیا لیزم علمی را از گستـــره تیوریك به عر صه عمل کشانید .

لنین تیو ر یسن و ساز مـــانده بزرگ انقلابی بمثابه مار کسیســـت پیگیر وخلاق ،آموزشی را بجـــا گذاشت که اهمیت جهانشمول دارد . این آموزش عظیم ،لنینیســـم است .

لنینزم به ا دامه ما ر کسیزم و در پیو ند گسست ناپذیر بـــا آن مارکسیزم عصر امپریالیزم و انقلاب پرولتاریایی است . آموزشی که‌بطور کلی تیوری و تا کتیك انقـــلاب پرولتاریایی و بطور اخص تیو ری و تا کتیك د یکتا تـــوری پرو لتاریا تلقی میگردد و معنی ایـــن تعریـــف آنست که مسئلهٔ عمدهٔ لنینیزم تیوری وتاکتیك ا نقلاب پرو لتار یایی است ومضمون اصلی انقلاب پرولتار یایی دیکتاتوری پرولتاریا می باشد .

لنین خلا قانه «توقف در مرزهایی راکه مارکس و انگلس بنیاد گذارا ن مارکسیزم علمی ، در دوران خودبدان رسیده بودند ، مغایر باروح‌مارکسیزم دید، ازاین‌جهت نه تنها لنین اندیشه های مارکس و انگلس را به عنوا ن رهنمون عمل‌بکار بست بلکه‌مارکسیزم راندر شرایط نوین ، یعنـــی دورا ن گذار سرمایه داری از مر حله رقابت آزاد به مر حله رقابت انحصاری یـــا امپریالیزم دوران گذار از سرمایه ـ داری به سو سیا لیزم غنی سا خت و تکامل بخشید . لنین در مقا لـــه «بر نامه ما» نو شت: «ما تیـــوری مار کس را به هیچو جه یك چیـــز به کمال نهایی رسیده که نتوان دست به‌ترکیب اش زد ، نمی دانیم و بر ـ عکس معتقدیم که این تیوری فقـــط سنگ هـــا ی بنیـــا د ی دا نشی را کار گذاشته است که سو سیا ـ لیست ها اگر نخواهندازپویه زندگی وا پس مانند ، باید آن را در تمـــام جهات به پیش رانند . » با تکیه بر همین سنگهای بنیادین است که لنین مارکسیزم را غنا می بخشد و طبق نیاز مندی‌های شرایط نوین وسیعـــاً تکامل میدهد .

اهمیت جها نشمول لنینیزم در پیوند ار گانیك آن با مارکسیزم به عنوان ادامه منطقی و طبیعی مارکسیزم نهفته است .

(۲)

اما نقش لنین در تکا مـــل مارکسیزم .

لنین در کتا ب « رشد سرمایه ـ داری در روسیه» تصریح نمود که تنها در شرایط سو سیا لیـــزم حل بنیادی مسئله ارضی میسر شده مـــی تواند . لنین مبتنی بر همین ارزیابی است که ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان را مطرح و روشن میسازد که طبقهٔ کارگر متحد طبیعی دهقا نـــان است زیرا رهایی دهقانان تنـــها در رهگذر سو سیالیزم ممکن است‌وبس.

لنین در «دو تاکتیـــك سو سیا ل دمو کراسی در انقلاب دمو کرا تیك ثابت نمود که :طبقه کارگر در انقلاب آزادی بخش دوران نوین‌تکا مـــل جامعه بشری بر خلاف انقلاب هـــای بورژوا دمو کراتیك کهن در قرن ۱۹، میتواند وباید رهبر انقلاب بـــورژوا دمو کراتیك باشد . برای نیل به‌این هدف باید طبقه کارگر بتواند دهقا نان وسایر اقشار زحمت کش شهر و ده رابه سوی خود بکشاند . لنین بـــا اثبات این ضرورت مسئله گـــذار بیدرنگ از انقلاب دمو کرا تیـــك به انقلاب سو سیا لیستی ، انقـــلا ب پی اندر پی و عدم توقف در نیمه‌راه را ، به پیش کشید و بدین گو نه با تصریح ضرورت اتحاد طبقه کارگر ودهقانان مبارزه در راه دمو کراســـی و مبارزه در راه سو سیالیزم را در روند واحد بهم پیوند داد . این تـــز لنین در زمینه پیو ند انقلاب‌دموکرا ـ تیك و انقلاب سو سیا لیستـــی و ضرورت اتحاد کارگران و دهقا نان ضربه سنگینی بود برهمه استد لالات منشو یکی مبنی بر رهبری بورژوا زی در انقلاب دمو کراتیك و دوران بعداز آن که گویا جا معه «پرولتریزه»شود. لنین این استدلال را تعلیق به محال ودر حکم صرف نظر کردن از انقلا ب سو سیا لیستی واز سو سیا لیز م تلقی نمود .

تاریخ یکبار دیگر بر درستـــی اندیشه لنین دربن زمینه نیز صحه گذاشت .

لنین در کتا ب « امپریا لیـــزم به مثابه‌بالاترین مر حله‌سر ما یه ـ داری » با تحقیق جوانب مختلف و قانونمندی‌های مرحله‌نوین‌رشدسرمایه ـ داری یعنی امپریالیزم ، قانـــون رشد ناموزون اقتصا دی و سیاسی کشور های سرمایه داری را کشـــف وبر مبنای آن به‌این نتیجه رسید که در دوران امپریالیزم بر خلاف پیش ـ بینی مارکس و انگلس که در شرایط رقابت آزاد سرمایه داری فعا لیـــت مینمودند ، سو سیا لیزم نمیتوانـــد همز مان در همه یا اکثر کشور های سرمایه داری به پیروزی برسد . لنین ثابت کرد که در مرحله امپریا لیزم رشد سرمایه داری بنابر ناهمسا نی آهنگ رشد تضاد ها در بخش ها ی گوناگون سیستم جهانی سرمایه داری با حر کتی «ناموزون» در کشورهای مختلف و یا جهش های متفاوت‌صورت میگیرد .

درسا ل ۱۹۱٦ بر پایه ایـــــن تحقیقا ت ، لنین ناگزیری پیـــروزی سو سیا لیزم را نخست در چنـــد کشوروحتی یك‌کشور مجزی سرمایه ـ داری مطرح و آنرا به مثا به یکی از قانونمندی های عام انقلاب جهانـــی سو سیا لیستی اعلام نمود.

محققین معتقدند که : لنین برپایه تحلیل عمیق و همه جانبه مر حلـــه امپریا لیستی سرمایه داری تیو ری مارکسیستی انقلاب سو سیا لیستی رابایك سلسله احکام اصو لی تا زه بسیار مهم غنی سا خته است . این احکام عبار تند از : امکان و ضرورت پیروزی طبقه کارگر نخست در چند کشور و حتی دریك کشور وبالنتیجه ضرور ت همز یستی کشور هـــا ی دا را ی سیستم هـــای اجتما عی سیاسی و اقتصادی گو نا گـــون، نا گز یری گسیخته شدن ز نجیره اقتصاد جهانی سر مایه د ا ر ی ، نخست در کشور های واقع درضعیف ترین حلقه های آن ، هژ مو نـــی طبقه کـــارگر وفـــراروپی ا نقلا ب بورژوادمو کراتیك‌به انقلاب سوسیا ـ لیستی . ارتباطمیان مبارزه‌طبقه کارگر کشور های سرمایه داری پیشر فته ، جنبش آزادی بخش ملی خلق هـــای مستعمره ووابسته ، پیدایش و ضع انقلابی . در آمیزی شرا یط عینـــی وذهنی برای انقلاب ، نقش‌پیش ـ آهنگ طبقه کار گر ، د یکتا توری پرو لتاریا بر بنیاد و اتحاد طبقـــه کارگر با دهقانان و دیگر قشر هـــای زحمت کش جامعه ، تنوع اشکال گذار از سر مایه بـــه سو سیـــا لیزم،

قانونمندی های رو ند انقلاب جها نی واحکام دیگر لنین آموزش مار کس و انگلس را در زمینه ایجاد احـــزا ب طراز نوین پرو لتری و نـــقش پیش آهنگ آن در جنبش انقـــلا بـــی با احکام نو ینی غنی سا خت و نقش حزب طراز نو ین‌پرو لتـــری رادر سیستم دیکتاتوری پرو لتاریا و در دوران سا ختمان سو سیا لیـــزم و متناسب به آن مختصا ت یك چنیـــن حزبی را مشخص نمود .

لنین علاوه بر اینها مسئله ملـــی را مورد پژو هش قرار داد وآن رابا تو جه به مسایل مشخص انقـــلا ب در دوران امپریالیزم غنی سا خـــت بدینگو نه لنین توانست پیو ند بیـــن مسئله بر اندا ختن ستم ملی درکشور های مستعمره و مبارزه طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری یابه معنای دیگر پیوند بین مبارزه برای آزا دی ملی و مبارزه برای سو سیالیزم را بر قرار نماید . بدین جهت محققین معتقدند که اعتقاد لنین در مورداینکه خلق های کشور های مستعمـــره و وابسته متحدین عینی و با لقـــوه طبقهٔ کارگر خواهد بود ازین وا قعیت منشاء میگیرد که در دوران‌امپریالیزم حل مسئله ملی به یکی از اجـــزاء مشکله انقلاب سو سیا لیستی مبدل میگردد .

میسر نیست همه ابعاد لنینیزم راکه‌خودمبحث بزرگیست در محدودهٔ این نوشته جا داد اما آ نچه را باید تصریح کرد اینست که لنین‌توانست بطرز خلاق وداهیانه مارکسیزم را در شرایط کاملا نوین « در تمام جها ت به پیش براند و مارکسیزم دورا ن امپریالیزم ، دوران‌انقلاب های‌کارگری دوران گذار از سرمایه داری بـــه سو سیا لیزم را تدوین نماید .

لنین نه تنها مار کسیزم را در دوران نو ینی غنا بخشید بلکه در مبارزه سر سخت علیه اپور تو نیزم، رویزیونیزم‌وهمه انحرافات‌ایدیولوژیك با قطعیت از اصول مارکسیزم دفاع نمود و آنرا از دستکاری خائینا نـــه منحرفین ومرتدین نجات داد.

(۳)

نیرو های پیشرو عصر ما نیروی تیوری انقلابی طبقه کارگر را کـــه بوسیله مارکس ، انگلس و لنین‌بنیاد گذارده شده است در درستـــی آن میدانند . لنین میگفت :«آمـــوزش مارکس همه توان است . زیرادرست است . این آموزش با هیچ نـــوع موهوم پرستی... آشتی‌پذیرنیست.»

این تیوری انقلابی باجلب عقول وقلوب توده ها به نیروی مادی بد ل شده‌است : که در آخرین تحلیـــل حزب را در پیکار علیه دشمن طبقا تی «همه توان» میسازد .»

فرا گیری این آموزش انقلا بی بخصوص‌لنینیزم به مثابه تیو ری و تاکتیك انقلاب پرولتاریا یی که‌برپایه حقیقت زندگی استوار است به‌احزاب طراز نو ین کارگری توانایی وسیعی در مبارزه طبقا تی می بخشند . بـــه همین دلیل است که باید لنین را شناخت و لنینیزم را فرا گرفت .

نام لنین با اکتو بر با بالشویـــز م پیوند نا گسستنی دارد . لنین‌میگفت: بالشویزم آن نمونه یی از تا کتیك است که بکار همه می آید... کسی نمیتواند از اهمیت جها نشمول‌لنینیزم در پیو ند نا گسستنی به مار کسیزم انکار نماید . بکار بستن وفرا گیری این آموزش مشعل راه ملیو نهـــا انسان ز حمتکش جهان ا ست که در راه صلح دمو کراسی ، تر قـــی اجتماعی و سو سیا لیزم پیکـــار مینمایند .

برای رز مند گان انقلابـــی ، برای همه کسا نیکه به خاطربهروزی انسان مشغو ل پیکار انـــد ، و در مجموع برای جنبش های انقـــلا بی وکارگری نام و آموزش لنینی الهام ـ بخش و رهگشای مبارزا ت انقـــلا بی است .

در زمینه پیکار نجات بـــخش ـ مبارزین راه آزادی و عدالت،اندیشه لنینی، بسان مشعـــل ر هنما یی می ـ در خشد که حتی در کوره راهها ی دشوار پیکار بسا ن همرزم‌رزمندگان باقی خواهد بود .

اگر در اوایل سده‌بیستم «دردوران تلاطم امواج انقلابی نام لنین یگا نه چراغ د ر خشنـــده و خـــا مو ش نشدنی میان درهم اشفتگیها ومبارزه بود» هم اکنون نیز نام وآموزش لنین ودیگر بنیاد گذاران مارکسیزم «زراد خانه انقلاب اجتماعی» است . لنیـــن رابابد شناخت ، لنینیزم رابابد فرا گرفت .

(ط)

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسئول : محمود بریالی
تیلفون : ۲۰۸۴۰